



## تجلی مفهوم "حیات طیبه" در خلق فضاهای شهری ایرانی اسلامی

نسترن نژدافی<sup>۱\*</sup>، محمدرضا پور جعفر<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای شهرسازی اسلامی، دانشکده شهرسازی و معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

<sup>۲</sup> استاد دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

najdaghi@ut.ac.ir ۰۹۳۷۹۳۵۹۶۱

### چکیده

براساس تعالیم اسلامی، پاداش ایمان و عمل صالح، حیات طیبه است. از جمله آثار توجه به حیات طیبه در برنامه ریزی فضای شهری، افزون بر شادی و آرامش، بینش و بصیرت شهودی و زندگی تحت ولایت خدا است. بدین ترتیب سرزندگی فضا و اقبال به برقراری تعاملات اجتماعی در فضا و نهایتاً پایداری، از جمله نتایج تجلی مفهوم حیات طیبه در خلق فضاهای شهری ایرانی اسلامی است. در پژوهش حاضر سعی بر این بوده است تا با تبیین مفاهیم متعالی اسلام در خصوص حیات طیبه، به تدوین نقش فضاهای شهری در سیر مراتب کمال انسان ها پرداخته شود و اصول طراحی این فضاها با هدف پایداری در زمان، خلق معنا و معنویت در شهر، تنوع، سرزندگی و نهایتاً پاسخگویی به نیازهای مخاطبان فضاهای شهری در شهر اسلامی ایرانی ارائه گردد. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی صورت پذیرفته است. نتیجتاً می توان گفت با توجه به اصول پایداری، آیات الهی بر زمین و مفهوم نور در کالبد فضا به طراحی همساز با اقلیم، توجه به نیازهای استفاده کنندگان فضا و توجه به هنر و زیبایی دست یافت. همچنین است در خصوص رعایت اصول توجه به زندگی دنیوی و اخروی توأمان و حقیقت زندگی در این جهان به برنامه ریزی عملکردهای موجود در فضاهای شهری پرداخت و نیازهای مادی و معنوی شهروندان را پاسخ گفت. با رعایت این اصول می توان انتظار داشت معنایی که از فضا در ادراک ذهنی مخاطبان آن نقش می بندد، همانا عبودیت و کرامت انسان باشد که از ویژگی های حیات طیبه است.

کلید واژگان: فضای شهری - کالبد - عملکرد - اسلامی - حیات طیبه



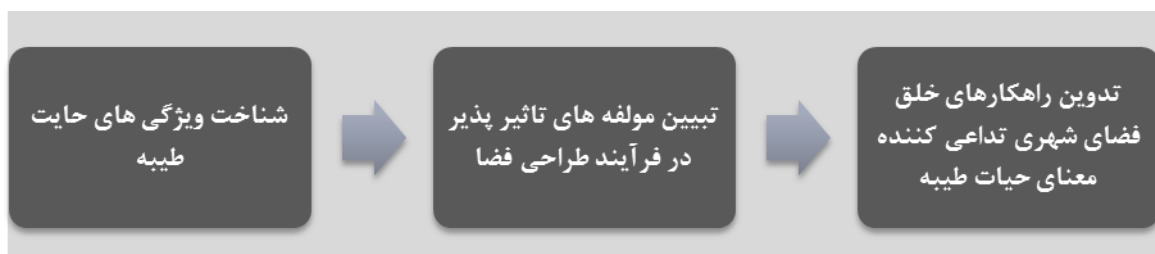
## ۱. مقدمه

گفتمان بین شهر و شهروند در فضاهای شهری تجلی می یابند و این ادراک محیطی مترتب بر تماس انسان با محیط است. در شهر متصف به صفت اسلامی اجزای وحدت یافته در کثرت بایستی به گونه ای در فضاهای شهری آرایش یابند که انسان را در حرکت جوهری خود در سیر مراتب وجودی همراهی نموده و مصداق سیر در تجلیات انوار الهی باشد. خلق فضای شهری معنا دار به مثابه شهری که پا در زمین نهاده و سر بر آسمان می آساید، حدوث امری نوین نیست. چنانکه نوگرایی نیز جزء لاینفک شهرسازی سنتی است و باز نمود مفهوم خلق مدام در حکمت اسلامی است. در شهرهای با هویت واقع شده در جغرافیای ایرانی اسلامی، عالی ترین نمونه های فضاهای شهری پایدار و اجد معنا، پایدار و آینه تجلی انوار الهی وجود دارد. قرآن به پیروان خود می آموزد که از نگاه محدود ظاهری به حیات پرهیز کنند و با اندیشه واقع بینانه به آن بنگرند. انسان برخوردار از چنین حیاتی غرق در محبت و قرب الهی زندگی سر می کند و جز خیر و سعادت نمی یابد. بنابر وعده قرآن پاداش ایمان و عمل صالح، حیات طیبه است. بنابه قول اندیشمندان اسلامی این حیات، حیاتی جدید است. همچنین حیات طیبه در همین دنیا حاصل می شود. (حاجی صادقی و بخشیان، ۱۳۹۳) و نهایتاً این حیات جدید آثار ویژه ای غیر از حیات ظاهری دارد که شامل: نورانیت دل، استغراق در نعمت های معنوی (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص: ۱۶۳-۱۶۲) و مشاهده ملکوت (ابن طاووس، ۱۳۷۷، ص: ۲۹۹) می باشد. قرآن یکی از عناصر سازنده حیات انسانی و عوامل تکامل و تعالی وی را پرورش عقل و اندیشه می داند. انسان به وسیله رشد صحیح عقل و بهره برداری آن در جهت هدف آفرینش می تواند از ایمان و حیات طیبه برخوردار شود. کافر در فرهنگ قرآن مرده فاقد حیات (معنوی) است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص: ۵۸۸)

از آنچه بیان گشت روشن شد که حیات طیبه نشئت گرفته از روحی جدید در انسان است. این روح گرچه از حیث نوپیدایی اش جدید است، لکن در واقع مرتبه فائده روح است که با فراهم شدن بستر مناسب، به اذن الهی پدیدار شده است. این بعد شکوفاشده منشأ پیدایش حیاتی معنوی و متعالی (حیات طیبه) در انسان می گردد. مراد از روح مذکور همان «روح الایمان» است که با اجابت دعوت خدا و رسول و با ایمان و عمل صالح و همچنین شکوفایی عقل، از جانب خدا افاضه شده و بر شاخسارش شکوفه های حیات طیبه می شکفت و انسان واقعی که «حی متألّه» است را به ظهور می رساند. حیات طیبه گرچه «دنیویة الحدوث» است، لکن «اخرویة البقاء» می باشد، که «حیات عنداللهی» جاودانه، تبلور همین حیات است. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص: ۲۳۸-۲۴۸) براساس چنین فلسفه ای و همچنین با توجه به حیطه عملکرد برنامه ریزان شهری که گستره عمومی شهر را در برمی گیرد و از این میان فضاهای شهری مهم ترین عرصه تعاملات اجتماعی انسان هاست، به نظر می رسد بتوان با تاسی از ویژگی های حیات طیبه متجلی در مولفه های کالبدی و عملکردی فضاهای شهری، به خلق معنا در فضاهای شهری اسلامی معاصر دست یازید به نحوی که منجر به ایجاد بستری برای تفکر و تأمل مومنان شهروند، سیر مراتب تکامل انسان و عطف توجه به حقیقت زندگی شود. در ادامه با بررسی ویژگی های حیات طیبه و مطابقت هریک با مولفه های فضای شهری، به تدوین راهکارهای طراحی فضاهای عمومی در شهر پرداخته شده است تا اهداف فوق را میسر سازد. این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش تدوین گردیده است که چگونه میتوان مفاهیم متعالی و معنوی تعالیم اسلامی را در خلق فضاهای عمومی در شهر به کار برد به نحوی که متضمن رشد و تعالی شهروندان مومن شهر اسلامی باشد؟

## ۲. روش تحقیق و فرآیند انجام پژوهش

ماهیت پرسش این پژوهش از نوع کیفی بوده لذا روش تحقیق این مقاله از مطالعات اسنادی و کتابخانه ای و همچنین تحلیل محتوا و استدلال منطقی تشکیل می گردد و با رویکرد توصیفی تحلیلی صورت پذیرفته است. در پی معرفی کلیات پژوهش، به منظور شناخت و تعمق در پایه های نظری مفهوم «حیات طیبه» و «فضاهای شهری»، ادبیات نظری این مقوله مورد مطالعه قرار گرفته است؛ در مرحله بعد با مرور ویژگی های حیات طیبه از طرفی و مولفه ها و خصوصیات فضای شهری از سوی دیگر، پس از تطبیق مفاهیم بدست آمده، در نهایت راهکارهای طراحی فضاهای شهری در شهر متصف به صفت اسلامی، تدوین گردیده است.





### ۳. مفاهیم نظری پژوهش

#### ۱.۳. تبیین مفهوم حیات طیبه از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

«حیات طیبه» در آیه ۹۷ سوره نحل آمده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس، از مرد یا زن، کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای، حیات می بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند، پاداش خواهیم داد» (نحل / ۹۷).

حیات طیبه معنای وسیعی دارد. حیاتی دور از هر نگرانی و تلخ‌کامی، حیاتی همراه با قناعت و پرهیز از افراط و تفریط، حیاتی سرشار از معنویت و ایمان و احسان به خلق، حیاتی به دور از غفلت، سهو و نسیان و.... مرحوم علامه طباطبایی در مورد «حیات طیبه» بیانی عمیق و عالی دارند، ایشان در تفسیر خود و در ذیل آیه ۹۷ سوره مبارکه نحل می فرماید: مراد از «احیاء» بخشیدن و افاضه حیات و زندگی است و آیه شریفه دلالت دارد که خداوند سبحان، انسان با ایمانی را که عمل شایسته و مصالح انجام می دهد با زندگی جدیدی که غیر از زندگی معمول مردم است، اکرام می کند به نحوی که در سراسر این زندگی معنوی و پاک جز زیبایی و جمال چیزی مشاهده نمی کند و تنها اموری را که خداوند آنها را قبیح و زشت شمرده، زشت و ناپسند می شمرد. این چنین انسانی چنان نور و کمال و قدرت و عزت و لذت و شادمانی در زندگی خود می یابد و مشاهده می کند که پایان و انتهای ندارد (علامه طباطبایی، ۱۳۴۶).

قرآن به پیروان خود می آموزد که از نگاه محدود ظاهری به حیات پرهیز کنند و با اندیشه واقع بینانه به آن بنگرند. حیات بدین معنا نیست که آدمی چند صباحی در نشئه طبیعت چون گیاهان و حیوانات حرکت و احساسی داشته باشد و با سپری ساختن روزگار، پرونده حیات او بسته شود؛ بلکه این نازل ترین مرتبه حیات و لازم حیات حقیقی اوست. در واقع انسان در این مرتبه حیات دارد، اما حیات حقیقی او این نیست. وی به حیات حسی و خیالی زنده است، اما به حیات عقلی و معنوی مرده است. بر همین اساس، قرآن کریم با دقیق ترین تعبیرها همین انسان های زنده را به حیات دعوت می کند. اگر حقیقت حیات همین تحرک و تنفس و گذراندن روزگار با اشتغال به امور مختلف فردی و اجتماعی بود، چه لزومی داشت خداوند بشر را به حیاتی دیگر فراخواند. روشن است که مراد از حیات در آیه پیش گفته، حیات ظاهری و جسمانی نیست؛ زیرا مخاطب آیه کسانی هستند که از این حیات برخوردارند. از این رو هر عقل سلیمی حکم می کند که مراد از آیه مذکور، معنایی دقیق تر و ظریف تر از زندگی، یعنی حیات حقیقی انسان بر مبنای اندیشه و ایمان به خداست که در جهت هدف منطقی و متعالی قرار گرفته است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۷۲؛ ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۵۴۳؛ ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۶۲۱).

#### ۲.۳. تبیین ویژگی های حیات طیبه یا عالم عندالله

ویژگی هایی که برای حیات طیبه توسط اندیشمندان و پژوهشگران علوم دینی بر شمرده شده به طور کلی در قالب موارد زیر ارایه گردیده است: (رجب نژاد و همکاران، ۲۰۱۲)

۱. **زندگی حقیقی:** راه یافتگان به عالم «عندالله» از زندگانی حقیقی در محضر خداوند، برخوردارند: «بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ؛ زنده اند و نزد پروردگارشان روزی دارند» (آل عمران / ۱۶۹).

۲. **جامع خیر دنیا و آخرت:** عالم «عندیت» نه محصور در دوران حیات دنیایی است و نه منحصر به حیات اخروی؛ بلکه خیر آن بر دنیا و آخرت گسترده شده و برخورداران از آن در همین دنیا از آن بهره مندند: «فَعِنْدَ اللَّهِ تَوَابٌ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ پس پاداش دنیوی و اخروی نزد خداست» (نساء / ۱۳۴).

۳. **پایداری:** ثمره حیات طیبه، ابدی و ماندنی است و نابودی و فرسودگی در آن راه ندارد. در همین آیات مورد بحث در سوره نحل، خدای تعالی پس از آنکه فرمود: عهد الهی را نفروشید، چرا که بهره عندالله برای شما نیکو و پسندیده یا بهتر است؛ و در آیه ای دیگر می فرماید: «وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى؛ آنچه نزد خداست نیکوتر و پایدارتر است» (شوری / ۳۶).



۴. **نامحدود بودن:** سرچشمه بی کران و بی پایان همه چیز نزد خداست «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ؛ وَ هِيَ حَيْثُ شَيْءٌ نَحْنُ نَحْنُ» (حجر/۲۱). به این علت، راه یافتگان به آن عالم هر چه بخواهند، برایشان فراهم است و محدودیتی ندارند؛ «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ؛ هِرْ حَه بَخَوَاهِنْد بَرَايِ أَنَهَا نَزْد پُروردگارشان هست» (زمر/ ۳۴) و فراتر از این فرمود: «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَ لَدَيْنَا مَزِيدٌ؛ بَرَايشان هر چه بخواهند در آنجا هست و نزد ما بيش از آن است» (ق/۳۵).

۵. **کمال وجودی:** رسیدن به عالم عندالله و «حیات طیبه»، تحول وجودی، به سوی کمال است و این گونه نیست که میان راه یافتگان به آن عالم و درجات و کمالاتشان، جدایی وجود داشته باشد. بلکه صاحبان مقام عنديت، عين کمال بوده و خودشان، درجات آن عالم هستند. (هُم دَرَجَاتُ عِنْدَ اللَّهِ) (آل عمران: ۱۶۳) «آنان، درجاتی نزد خدا هستند» و برخورداری‌ها و بهره‌مندی‌ها، از خارج وجودشان به آنان داده نمی‌شود، بلکه سیر به سوی حقیقت، وجود آنان را به سرچشمه کمال و جمال، تبدیل کرده است.

۶. **معیار و میزان بودن:** از آن رو که حیات طیبه، نهایت کمال الهی انسان است، لذا آن عالم و برخورداران از درجات آن معیار و میزان می‌باشند؛ «ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ؛ اَيْنِ کار شما نزد خداوند عادلانه تر است» (بقره/ ۲۸۲) و یا «هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ؛ او عادلانه تر است نزد خدا» (احزاب/۵).

۷. **جایگاه راستی:** جایگاه راست و استوار اهل حیات طیبه: «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ؛ در جایگاه راستین، نزد پادشاهی توانا» (قمر/ ۵۵) می‌باشد. ایشان راه درست را یافته، به جایگاه و موقعیت راستین می‌رسند و با حق به سر می‌برند، نه با فریب‌ها و سراب‌ها.

۸. **جلوه آیات الهی:** عالم عنديت جلوه روشن آیات الهی است؛ چنان که فرمود: «إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ» (انعام: ۱۰۹ / عنکبوت: ۵۰)؛ تمام آیات الهی فقط نزد خداوند است. کسی می‌تواند آیات الهی را درک کند که چشمی به عالم عندالله گشوده و خبری از آن یافته باشد. عالم سراسر آیات الهی است، اما برای کسی که خداوند را مشاهده کرده و ربط پدیده‌های جهان را با حق تعالی به تماشا نشسته است.

۹. **جایگاه کتب قدسی:** قرآن کریم و سایر کتاب‌های مقدس، در جهان «عنديت» بوده و کسی که به «حیات طیبه» برسد، آن‌ها را مشاهده کرده و از حقیقت آن‌ها آگاه است. (وَ لَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ) (بقره: ۸۹) «و هنگامی که از سوی خداوند، کتابی به سویشان آمد». (وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ) (الرعد: ۳۹) «نزد او، ام‌الکتاب است». (وَ عِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ) (قاف: ۴) «و نزد ما، کتاب حفیظ – لوح محفوظ – است». (وَ إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنًا لَعَلِي حَكِيمٌ) (زخرف: ۴) «این قرآن، در ام‌الکتاب، نزد بلند مرتبه‌ای حکیم است». همه حقایق عالم از سرگذشت و سرنوشت نیکان و بدان، تا وقایع و حوادث جهان، در آن نوشته و در مراتب بالا، نزد پروردگار محفوظ است و مقربان بارگاه الهی و کسانی که به «حیات طیبه» رسیده‌اند، آن را مشاهده می‌کنند. (إِنَّ كِتَابَ الْأَنْبِيَاءِ لَفِي عِلِّيِّينَ \* وَ مَا أَذْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ \* كِتَابٌ مَّرْقُومٌ \* يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ) (المطففين: ۱۸-۲۱) «نوشته ابرار، در علیین است و تو، چه میدانی، علیین چیست؟! کتابی است نگاشته شده که مقربان می‌بینند».

۱۰. **علم:** در ادبیات قرآن، یعنی شناخت خدا و آیات و آثار اوست؛ و قرآن تمام علم را نزد خدا می‌داند: «إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ؛ علم فقط نزد خداست. بنابراین، یکی از برترین شاخص‌های حیات طیبه، علم است. اهل بیت (ع) معدن و منبع این علم و سرآمد اهل حیات طیبه اند؛ چنانکه در زیارت جامعه کبیره، امام هادی (ع) خاندان مبارک خود را «خزان العلم» می‌شمارد.

۱۱. **نور:** کسانی به عالم عندالله و حیات طیبه راه پیدا می‌کنند که دل و جان خود را صاف کرده و از همه تعلقات و تیرگی‌ها رها ساخته و آینه‌گون شده‌اند؛ «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّاهِدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ؛ کسانی که به خدا و رسولش ایمان آوردند آنها اهل راستی و گواهان نزد پروردگارند که پاداش و نورشان برای آنهاست» (حدید/ ۱۹). اینها کسانی هستند که خدا را با تمام وجود درک کرده و آینه دار نور و نام او شده‌اند و در میان مردم با این نور حرکت کرده و مایه هدایت خلق می‌باشند؛ «أَوْ مَنْ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» (انعام/ ۱۲۲).



**۱۲. روزی مخصوص:** اهل حیات طیبه در عالم «عندیت» بهره‌هایی دارند که نمی‌توان درباره آن گفتگو کرد. (عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ) (آل عمران: ۱۶۹) «نزد خدا، روزی دارند». این رزق تنها خوراک و پوشاک و باغ و بستان نیست، بلکه واردات و دریافت‌های مخصوصی است که قلب را زنده می‌کند و «حیات طیبه» را در عالم عندالله تداوم می‌بخشد.

**۱۳. رحمت خاص:** خدای تعالی رحمت عام و فراگیری دارد که همه هستی و مؤمن و کافر از آن برخوردارند، اما رحمت خاص او مربوط به عالم «عندیت» است. به همین دلیل، تنها اهل «حیات طیبه» از آن بهره‌مندند. درباره حضرت خضر «علیه‌السلام» وارد شده است (آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا) (کهف: ۶۵) «به او رحمتی از نزد خود بخشیدیم». یا درباره حضرت ایوب پس از آزمون دشوار بردباری و جبران و بازگشت نعمت‌ها، می‌فرماید: (وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا) (انبیاء: ۸۴) «و خاندانش و همانند آن‌ها را همراه آنان از نزد خود به او عطا کردیم». و از زبان حضرت نوح می‌فرماید: (وَ آتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ) (هود: ۲۸) «و رحمتی از جانب خود به من عطا کرده است».

رحمت خاص الهی مصادیق گوناگونی دارد: دانش حضرت خضر، بازگشت سلامتی و ثروت به حضرت ایوب به طور معجزه آسا و نبوت حضرت نوح، اموری است که از کمال یافتن هدایت به حق بر آمده. بنابراین، رحمت خاص آنگاه است که هدایت‌های الهی مؤثر شده و بنده‌ای به جایگاه شایسته بندگی برسد که همانا عالم «عندیت» و برخوردار از بهره‌های آن و در یک کلام، حیات طیبه است. رحمت عامه زمینه‌ها و ابراز و امکانات هدایت بوده و تباهی و روگردانی از آن‌ها موجب قهر و غضب الهی است و استفاده صحیح از این امکانات رحمت خاص را در پی دارد.

**۱۴. آخرت:** با توجه به دو ویژگی پیشین، این حقیقت معلوم می‌شود که عالم «عندالله» همان عالم آخرت است. البته ویژگی‌های دیگری مثل بقا و پایداری هم این مطلب را به دست می‌دهد، چرا که آخرت هم به دو وصف «نیکویی» و «پایداری» توصیف شده است (وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى) (اعلی: ۱۷) «و آخرت بهتر و پایدارتر است».

اما گذشته از این‌ها، قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: (الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ) (بقره: ۹۴) «سرای آخرت نزد خداست». و یا (وَ الْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ) (زخرف: ۳۵) «و آخرت نزد پروردگار توست». بنابراین، آخرت همان عالم «عندالله» است و زنده شدگان به حیات طیبه هر چند هنوز در این جهان طبیعی حضور مادی داشته باشند، گویی ناظر قیامت و عقوبت و پاداش مردمانند (جوادی آملی، ۱۳۶۹).

عالم آخرت هم اکنون موجود و بریاست، اما حجاب اوهام دنیوی مانع از دیدن باطن دنیا، که آخرت است، شده (يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ) (الروم: ۷) «نمایی از زندگی پست و دنیوی را دانسته و از آخرت غافلند». بنابراین، آخرت اکنون هم هست، ولی در غیب آسمان‌ها و زمین (دستی، ۱۳۷۹) و با فرا رسیدن قیامت، تنها حجاب‌ها از پیش دیدگان فرو می‌افتد (لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ) (ق: ۲۲) «تو از این عالم غافل بودی، ما پرده‌ات را - از جلوی چشمانت - کنار زدیم، پس امروز دیدگانت تیزبین شده است».

**۱۵. سلام:** «سلام» به معنای سلامتی و نداشتن کاستی و بیماری است. اهل حیات طیبه و راه یافتگان به عالم «عندیت» مظهر اسم «سلام» خدا بوده و از کاستی‌ها و بیماری‌ها پاک و پیراسته اند: «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ؛ سرای سلامت نزد پروردگارشان برای آنهاست» (انعام/ ۱۲۷). البته این سلامت، نه تنها سلامتی جسم و تن است بلکه سلامتی قلب و جان نیز هست؛ «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ؛ روزی که دارایی و فرزندان فایده‌ای ندارد، مگر کسی که دلی سالم به حضور پروردگار آورد» (شعراء/ ۸۸-۸۹). در مقابل، کسانی که از حیات طیبه و درک محضر الهی محرومند: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ در دل هایشان مرض است و خداوند بیماری و کاستی دلشان را بیشتر می‌کند و برایشان عذاب دردناکی است» (بقره/ ۱۰) می‌باشند.

**۱۶. عبودیت:** کسانی به عالم «عندیت» راه پیدا می‌کنند که تمام هستی خود را ملک خدا دانسته، استقلال و استکبار را از پندار و رفتار خود بزدایند؛ «وَ مَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ لَا يَسْتَحْسِرُونَ؛ و کسانی که نزد اویند از بندگی او استکبار نورزیده و پندار زده و فریفته نیستند» (انبیاء/ ۱۹).



**۱۷. کرامت:** اهل حیات طیبه چون به عالم «عندالله» راه یافته اند، از سرچشمه های بی پایان برخوردار شده و با توانایی و دارایی الهی، حمایت می شوند. از این رو، پیشامدهای خارق العاده ای برایشان روی می دهد که «کرامت» نامیده می شوند و چون با ادعای نبوت همراه نیست، نمی توان آن را «معجزه» نامید؛ زیرا معجزه مخصوص پیامبران است. وقتی حضرت زکریا (ع) برای دیدار حضرت مریم (س) به عبادتگاه او آمد و میوه های گوناگون و تازه را دید، پرسید: اینها از کجا رسیده است: و حضرت مریم (س) پاسخ داد: «هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ؛ اینها از عالم «عندالله» آمده است» (آل عمران: ۳۷).

**۱۸. نصرت:** سخت ترین و ترسناک ترین معرکه هایی که انسان با آن مواجه می شود آنجاست که شیطان بیرونی و هواهای نفسانی دست به دست هم داده و دل را به غفلت از خدا و تعلق به دنیا می کشند. در این هنگام، تنها خدا یاور و پشتیبان بنده است: «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ؛ یاری تنها از نزد خداست» (آل عمران/۱۲۶). بنابراین، اهل حیات طیبه به خاطر زندگی پاکی که یافته اند، از نصرت و یاری و حمایت الهی برخوردار شده و به گناهان آلوده نمی شوند.

**۱۹. شهود و لقای الهی:** برترین ثمره حیات طیبه که اولیای خدا در عالم «عندالله» از آن برخوردارند، شهود و لقای رب العالمین است: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا؛ پس کسی که مشتاق و امیدوار دیدن پروردگار است، باید عمل شایسته انجام دهد و در بندگی پروردگار شرک نوزد» (کهف/ ۱۱۰). در این آیه شریفه، دیدار و شهود خداوند در گرو عمل صالح و نفی شرک (ایمان) معرفی شده و حیات طیبه نیز در گرو این دو است. حیات طیبه سبب شهود حق تعالی و سیر در تجلیات انوار و اسماء اوست.

**۲۰. شادی و آرامش درونی:** از دیگر آثار حیات طیبه، شادی و آرامش درونی است که قرآن در توصیف اولیای خدا و اهل حیات طیبه فرمود: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ آگاه باشید که اولیای خدا از هر بیم و اندوهی سلامت و آسوده اند؛ کسانی که ایمان آورده و پرهیزگار بوده اند» (یونس: ۶۳-۶۲). در آیه دیگری می فرماید: «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسی که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و کارهای شایسته انجام دهد، هیچ هراس و اندوهی ندارد» (مائده: ۶۹).

**۲۱. شعور و بینش برتر:** از جمله آثار دیگر حیات طیبه، شعور و بینش برتری است که باطن عالم و ملکوت زمین و آسمان ها را برای مؤمنان بلند مرتبه آشکار و ظاهر ساخته است. این توان و بصیرت شهودی از نور خداست که بر قلب آنان تابیده شده و آن را عمیق و وسیع نموده، در نتیجه، از ظلمت ظاهر به نور باطن رسیده و حیاتی دیگر یافته اند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنَ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوا پیشه کنید و به پیامبر ایمان آورید تا دو بهره از رحمت را دریابید و برای شما نوری قرار دهد که با آن راه بروید» (حدید/ ۲۸).

### ۳.۳. مفهوم فضای شهری و مولفه های شکل دهنده به آن

فضای شهری نوعی عرصه عمومی است که تعاملات اجتماعی - فرهنگی انسان ها در آن روی می دهد. در واقع آن دسته از فضاهای شهری که محل تعاملات اجتماعی نیستند فضای شهری محسوب نمی شوند و می توان صرفاً آنها را فضای باز شهری نامید. (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۰) فضای شهری به عقیده پاکزاد، مصنوعی است سازمان یافته، آراسته و واجد نظم به صورت بستری برای فعالیت ها و رفتارهای انسانی. انسان جزئی از فضا است و با ارزش ها و هنجارهای خود به این فضا معنی می بخشد. الگوهای روابط اجتماعی ثابت نیستند و یک فضا با جایگزین شدن رابطه اجتماعی خاص، چهره متفاوتی به خود می گیرد. (پورجعفر و همکاران ۱۳۹۳: ۸۲؛ به نقل از پاکزاد، ۱۳۸۵: ۸۱) فضاهای شهری مانند هر پدیده دیگری دارای سه مولفه فرم، عملکرد و معنا می باشند. فرم، آن بخش از پدیده است که قابل ادراک توسط حواس می باشد (تظاهر حسی و واضح بیرونی یک پدیده). عملکرد، خاصیتی از پدیده است که جوابگوی بخشی از نیازهاست. درواقع عملکرد، توانایی یک سیستم دینامیک در ایجاد حالت های رفتاری معین است (فایده یک پدیده) (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۹۹). نهایتاً معنا، خاصیتی از محیط است که می تواند فرد را به جنبه های دیگری از زندگی مرتبط می سازد (معانی انضمامی فضا، خاطرات و ...) (لینچ، ۱۳۷۶).





### ۴.۳. نقش جهان بینی مذهبی در تجسم کالبد فضای شهری

انسان با حضور در جمع و رابطه با دیگری است که به هستی خود و انسان های دیگر و چیزهای جزئی و کلی، واقف می شود و با این وقوف دارای گذشته و تاریخ می گردد. فرد با حضور و رشد یافتن در جمع علاوه بر آنکه دارای هویت فردی می گردد یعنی نام، منزلت اجتماعی و روابط مشخص با دیگران می یابد، بلکه با گرفتن عناصر مشترکی که فرهنگ خوانده می شود، هویت جمعی یافته و با دیگران دارای تاریخ مشترک می گردد. (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۷۱) فرهنگ به مفهوم عام، روش زیستن و اندیشیدن است و حاصلی از مجموع دانسته ها و اعتقادات یک قوم می باشد. استنتاجی است که ملتی در طی قرون متمادی از دریافت های خود از زندگی کرده اند. (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۱: ۳۵) از آنجایی که جهان بینی و مذهب رکن اساسی تاثیر گذار بر فرهنگ است و اینکه فرهنگ آینه تمام نمای ارزش های حاکم بر فرد و جامعه است (نقوی، ۱۳۷۲: ۱۷) می توان چنین بیان نمود که بستر فعالیت های فردی و اجتماعی افراد لاجرم متأثر از جهان بینی مذهبی و تاثیر گذار بر آن می باشد.

در فرآیند تجسد و تعیین کالبد فضای شهری متأثر از جهان بینی مذهبی، حیطة معنا که حاصل درک مخاطبان از فضا است، بیشترین سهم را انتقال مفاهیم دارد. این معنا، حس تعلق به مکانی را در پی دارد که در پی توجه انسان به توحید و نبوت و معاد است، این همانی را برای افراد با تعالیم اسلامی در مسیر کمال بشر و پرورش خرد ایجاد می کند و نتیجتاً مسئولیت پذیری افراد را در مقابل فضاهای شهری در پی خواهد داشت.

بنا به عقیده علامه طباطبایی فیلسوف معاصر و مفسر قرآن کریم، اسلام در تمام شئون خود اجتماعی است. دلیل این سخن آیه ی آخر سورة آل عمران است که می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون» ای کسانی که ایمان آورده اید، شکیبایی پیشه سازید و با هم صبر کنید و با هم رابطه داشته باشید و از خدا بپرهیزید، باشد که رستگار شوید. با توجه به تاکید آیه اولاً به صبر فردی و سپس به طور دسته جمعی و آنگاه امر به ارتباط با یکدیگر، دیدگاه قرآن در خصوص تاثیر جامعه در فرد مشخص می گردد. بدین ترتیب جامعه بایستی بین نیروها و عملیات خود در کلیة شئون ایجاد ارتباط کند، چه در سختی و چه در رفاه. (طباطبایی، ۱۳۴۶) علامه طباطبایی در تعریف سیر تکاملی جهان هستی و نظام آفرینش، تکامل انسان را در بطن جامعه میسر میدانند. بعقیده او اسلامی در پی ساخت محیطی است که برای پیشرفت علوم کاملاً آماده و مهیاست و مستلزم این پیشرفت را دستیابی به مبانی ثابت و پایدار زندگانی فردی و اجتماعی می داند. بنابراین مطلوبیت شرایط اجتماعی را مقدم بر طی مسیر کمال و پیشرفت در نظر می گیرد. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۵۵۰)

بنا به اعتقاد مسلمانان سعادت انسانی چیزی است که از نیکبختی روح و بدن ترکیب می شود؛ یعنی آدمی هم از نعمت های مادی بهره مند شود و هم به فضایل اخلاقی و معارف حق الهی آراسته گردد که آن متضمن سعادت دنیا و آخرت انسان است. بر این اساس هدف جامعه بشری در اسلام توحید و یکتاپرستی است. اسلام همه قوانین عرصه های فردی و اجتماعی خود را بر این پایه بنیان می نهد و ضمانت اجرای آنها را در وهله اول به حکومت اسلامی و در مرحله بعد به جامعه می سپارد.

از این رو مردم باید بر پایه معارف دینی اجتماع کنند و افکارشان را با یکدیگر پیوند دهند و در تعلیم و تعلم با هم رابطه داشته باشند تا با تدبیر و تعمق در آیات الهی، به آرامش روحی رسند. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۳۵-۱۳۶)

از آنجا که هنر و معماری ارتباط بنیادینی با فرهنگ و جهان بینی برقرار می نماید و علاوه بر شکل گیری و ابزار وجود آن به عنوان جلوه ای از هویت جامعه است، انصاف هنر و معماری به اسلام و به بیان بهتر "اسلامیت" هنر و معماری شهری در فرآیند خلق کالبد نشأت گرفته از معیارهای زیبایی شناسی اسلامی غیر قابل انکار است. به عقیده امین زاده هنر اسلامی به دنبال راهی برای بیان توحید است. (امین زاده و دیگران، ۱۳۷۹) این هنرها راهی را برگزیده اند تا به تعبیر بوکهاردت، هیچ عنصری نتواند "من" بگوید. (بوکهاردت، ۱۳۷۲) در گفتمان بین شهر و شهروند آنچه سیال است و ارتباط را برقرار می کند مولفه های تاثیر محیط بر انسان است. ادراک محیط یکی از اولین نتایج مترتب بر تماس انسان با محیط است. احساس هویت (این همانی)، سرور و سرخوشی، احساس غم و اندوه، غرور، حقارت، تفوق، از خودبیگانگی و بسیاری ارتباطات روانی دیگر. از این رو شهری که همساز با بوم باشد و هم اسلامی را بایستی در قالب ترجمانی تازه از ارتباطات روانی بین انسان و محیط معرفی کرد.



## ۴. یافته های پژوهش

## ۴.۱. شناخت مولفه های تاثیرگذار در خلق فضاهای شهری متأثر از تجلی مفهوم حیات طیبه

تجلی مفهومی فرهنگی یا مذهبی نظیر حیات طیبه در فضاهای شهری در وهله اول مستلزم شناخت ارتباط بین این مفهوم کیفی با مولفه های تشکیل دهنده فضای شهری است. در مرحله بعد بایستی مشخص گردد مفهوم کیفی مورد نظر از چه طریق با مخاطبان فضا ارتباط برقرار کرده و چگونه متجلی می گردد. از این رو در ابتدا به این موضوع پرداخته شده است که در میان سه مولفه: کالبد، عملکرد و معنا، تجلی مفهوم حیات طیبه در کدام یک از موارد ذکر شده میسر خواهد بود. همانگونه که در جدول شماره ۱ ارائه شده است، برخی از مفاهیم و ویژگی های حیات طیبه نظیر: کمال وجودی، نامحدود بودن، عبودیت و کرامت در حیطه مولفه معنا در فضای شهری قابلیت تجلی دارد. درخصوص قابلیت تجسم کالبدی ویژگی های مفهومی حیات طیبه نیز مجموعه مواردی نظیر: روزی مخصوص، پایداری، معیار و میزان بودن، جلوه آیات الهی، جایگاه کتب قدسی و نور قابل ذکر می باشند و نهایتاً در حوزه عملکرد می توان ویژگی هایی نظیر: تجلی راستی، شهود و لقای الهی، رحمت خاص، شعور و بینش برتر، نصرت، سلام، علم، زندگی حقیق و جامعیت دنیا و آخرت را برشمرد.

جدول شماره ۱: تطبیق مولفه های فضاهای شهری با ویژگی های حیات طیبه

مولفه فضای شهری	تجلی حیات طیبه	حیطه تاثیر و تاثر	مولفه تاثیرپذیری
معنا در فضای شهری	عبودیت	ادراک	رفتار مخاطبان فضا
	کرامت	ادراک	رفتار مخاطبان فضا
	آخرت	ادراک	محیط
	نامحدود بودن	ادراک	محیط
	کمال وجودی	ادراک. پاسخ به نیاز	رفتار مخاطبان فضا
	شادی و آرامش درونی	ادراک. پاسخ به نیاز	رفتار مخاطبان فضا
کالبد فضای شهری	روزی مخصوص	فعالیت	محیط
	پایداری	طرح. فعالیت. پاسخ به نیاز	محیط
	معیار و میزان بودن	طرح. فعالیت	محیط
	جلوه آیات الهی	طرح. فعالیت	محیط
	جایگاه کتب قدسی	طرح. فعالیت	محیط
	نور	طرح	محیط
عملکرد فضای شهری	جایگاه راستی	فعالیت. پاسخ به نیاز	محیط. رفتار مخاطبان فضا
	شهود و لقای الهی	پاسخ به نیاز	رفتار مخاطبان فضا
	رحمت خاص	فعالیت. پاسخ به نیاز	محیط
	سلام (به مثابه پذیرش مخاطب در فضا، امنیت و آرامش)	رفتار	محیط. رفتار مخاطبان فضا
	نصرت	پاسخ به نیاز	رفتار مخاطبان فضا
	شعور و بینش برتر	رفتار	رفتار مخاطبان فضا
	علم	رفتار	رفتار مخاطبان فضا
	زندگی حقیقی	رفتار. فعالیت	محیط. رفتار مخاطبان فضا
	جامع خیر دنیا و آخرت	طرح. فعالیت	محیط. رفتار مخاطبان فضا

## ۴.۲. بارزه های عینی مفهوم حیات طیبه در طراحی فضای شهری

طی دهه ها فضازدایی از شهر با هدف استفاده اقتصادی از هر سانتی مترمربع از زمین باارزش موجود در شهرها متعلق به کاربری های تجاری و اداری، امروزه در فرآیند طراحی برنامه ریزی شهری با توجه به لزوم ایجاد فضاهای تعامل اجتماعی متأثر از آموزه های دین اسلام که اجتماع را فطری این دین می داند و همچنین نیاز شهروندان به دوری گزینی در مقاطعی از شبانه روز از فضای مجازی رسانه ها





و متقابلاً دریافت آموزش های زندگی شهروندی و اجتماعی، طراحی فضاهای شهری که نه صرفاً باز بلکه عمومی هستند، و تجهیز شده برای وقوع تعاملات شهروندان است از جمله معیارهای مطلوبت برنامه های توسعه شهرهاست. فضاهایی که نه محل وقوع کنش های ضروری و حضور لاجرم شهروندان در فضا است نظیر رفتن به سرکار یا منزل و یا حضور فردی و خانوادگی در پارک ها، بلکه مکان وقوع تعاملاتی هستند که با هدف ایجاد سلامت اجتماعی، تفکر و تدبیر، نیل به کمال وجودی انسان، سیر در مراتب هستی، ارتقای مهارت های شهروندی، درک و دریافت هنر و فرهنگ و ... طراحی شده اند. از آنجایی که به فرموده پروردگار پاداش ایمان و عمل صالح مومنان، حیات طیبه است، در پژوهش حاضر سعی بر این بوده است تا با شناخت ویژگی های برشمرده شده توسط اندیشمندان و حکمای اسلامی از تعبیر حیات طیبه، اصول طراحی فضاهای شهری به نحوی تدوین گردد تا همسو با آن بهترین باشد که پروردگار متعال برای بندگان در نظر گرفته است. فلذا مجموعه راهبردهایی با این هدف تبیین گردیده اند که در جدول شماره ۲ ارائه گردیده اند. از آنجایی که از بین مولفه های فضاهای شهری، «معنا» حاصل ادراک مخاطبان فضا از مجموعه کالبد و عملکرد است، در این بخش تنها به تدوین راهبردهای کالبدی و عملکردی پرداخته شده است با این هدف که معنایی که به ذهن متبادر می گردد همانا تداعی کننده راستی و صداقت، فراهم نمودن شرایط برای شهود و لقای الهی، مورد رحمت خاص واقع شدن، سلامت و امنیت، پیروزی و خوشبختی، توجه به معنویت و ارتقای شعور و آگاهی و نهایتاً نیل به زندگی حقیقی از طریق توجه توأمان به دنیا و آخرت، باشد.

جدول شماره ۲: بازه های عینی مفهوم حیات طیبه در طراحی فضای شهری

مؤلفه فضای شهری	ویژگی های حیاط طیبه	راهبردهای طراحی فضای شهری
کالبد	روزی مخصوص	استفاده از الگوی طراحی باغ های ایرانی با درختان مثمر در فضاهای عمومی شهر
	پایداری	طراحی همساز با اقلیم در قالب استفاده از مصالح کارآمد، پوشش گیاهی متناسب و ابعاد مناسب (فضا) طراحی همساز با اقلیم (محافظت از مخاطبان در برابر تهدیدهای اقلیمی مثل: تابش شدید خورشید، باران، باد و خاک و ..) طراحی فضاها متناسب با نیازهای مخاطبان و استفاده کنندگان آنها
	معیار و میزان بودن	توجه به اقتصاد محلی و برنامه ریزی جهت تامین منابع درآمدی پایدار جهت هزینه های نگهداشت فضا طراحی کالبدی با قابلیت عملکردهای چندگانه (فروش، برگزاری فراسم مذهبی، برگزاری جشنواره، بازی و ورزش و ...) طراحی سلسله مراتبی از فضاهای شهری با الگوی عملکردی خاص
عملکرد	جلوه آیات الهی	اهمیت به فضاهای باز و عمومی محلی و شهری در زمان تصمیم گیری های توسعه و برنامه ریزی شهری
	جایگاه کتب قدسی	برگزاری مراسم مرتبط با توسعه شهری در فضاهای عمومی محله و شهر برگزاری جشنواره های فرهنگی، هنری، ورزشی و آموزشی درون فضاهای شهری محله ای و شهری
	شهود و لقای الهی	توجه به زیبایی های بصری، طبیعی و پاکی در قالب هنر های تجسمی ایرانی اسلامی در طراحی جزئیات فضا روایی بودن فضا از محتوای کلام الله با مضامین زندگی اجتماعی و هدف غایی از خلقت انسان
عملکرد	نور	توجه به نور و سایه در طراحی فضا همچون گذرها و میادین شهرهای تاریخی ایران
	جایگاه راستی	ایجاد بازارچه های خوداشتغالی هنر و صنعت به شیوه فروش از تولید به مصرف همجواری فضاها با کاربری های مذهبی و انجمن های محلی خیریه ایجاد فضاهای گفتمان اجتماعی در باب موضوعات فرهنگ شهروندی و هنر برگزاری آموزش های اجتماعی تکلیف شهروندان در شهر و حق شهروندان به شهر
	رحمت خاص	توجه به معاد و زندگی پس از مرگ از طریق هنرهای تجسمی رعایت اصل آسایش و امنیت از طریق نظارت اجتماعی کاربری های دائمی در فضا ارائه بی دریغ و بی منت نعمات و رحمت از طریق گشودن باغ های دولتی به روی عموم طراحی توأمان فضاهای نیمه عمومی و عمومی تجهیز شده
	سلام	بسترسازی انجام ورزش های فردی و گروهی با هدف ارتقای صحت و سلامت
	نصرت	برپایی جشن های پیروزی های سیاسی، ورزشی، اجتماعی و .. در مقیاس شهری و ملی در فضاهای محله ای و شهری
	شعور و بینش برتر	القای مضامین آموزشی حکمت و عرفان ایرانی اسلامی در قالب تلفیق هنرهای تجسمی و ادبیات در فضا
	علم	جانمایی کاربری های مرتبط با مطالعه و فروش کتاب نظیر کافه کتاب ها، ایجاد فضای مجازی E-Book Sharing و یا برپایی تئاترهای بداهه و نمایشنامه خوانی
	زندگی حقیقی	دوری از ظواهر دنیای مادی با عطف توجه به معنویت استعاری متجلی در هنر ایرانی اسلامی و نمایش تجلی آسمان بر زمین
	جامع خیر دنیا و آخرت	تجهیز فضا برای تعاملات فردی و گروهی مخاطبان در فضا نظیر: تفریح، مطالعه، عبادت و آسایش



## ۵. نتیجه گیری

در شهر اسلامی، فرم (هویت کالبدی) به تبع معنا (هویت محتوایی) تعریف می‌شود و کالبد، هویت خود را از محتوا اخذ می‌کند و این متأثر از بنیان‌های نظری هنر و معماری اسلامی است که در آن نسبت قالب و محتوا همچون نسبت روح و کالبد است. هر زمان که تلفیق روح و کالبد هم ریشه و هم نسخ با فرهنگ بومی و بستر خود شکل گرفته اند منجر به خلق فضاهایی گشته اند که در عین زیبایی، کارآ، سرزنده، با کیفیت، متنوع، با هویت و جاذب برای استفاده کنندگان از فضاهای شهری بوده است. این چنین است فضایی عمومی در شهر اسلامی که «ابژه» نیست بلکه به مثابه یک «سایه» است، سایه ای از شهر دیگری، از شهری آسمانی، از شهر آرمانی. این شهر آرمانی همان شهری است که در آن مفهوم حیات طیبه تجلی می‌یابد و واجد ویژگی‌هایی است که می‌توان با دسته بندی آنها در قالب مولفه های فضای شهری شامل: کالبد و عملکرد به خلق فضاهای حاوی معنای حیات طیبه دست یافت. از این رو می‌توان با توجه به اصول پایداری، آیات الهی بر زمین، مفهوم نور و معیار و میزان بودن فضا در شهر، در کالبد فضا که شامل مبلمان شهری، جداره ها، پوشش گیاهی، کفسازی و تقسیمات فضایی است به طراحی همساز با اقلیم، توجه به نیازهای استفاده کنندگان فضا و توجه به هنر و زیبایی دست یافت. همچنین است در خصوص رعایت اصول راستی، سلامت، علوم و بینش، توجه به زندگی دنیوی و اخروی توامان و حقیقت زندگی در این جهان به برنامه ریزی عملکردهای موجود در فضاهای شهری پرداخت و نیازهای تفریحی، ورزشی، فرهنگی، آموزشی و معرفتی، مطالعه و علم اندوزی، تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، سیر تکامل مراتب انسانی و عبادت را پاسخ گفت. به تبع رعایت این اصول می‌توان انتظار داشت معنایی که از فضا در ادراک ذهنی مخاطبان آن نقش می‌بندد، همانا عبودیت، کرامت انسان، ناکرآمدی، کمال و شادی روح باشد که از ویژگی های حیات طیبه است.

## فهرست منابع

۱. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۷)، الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۳، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۱)، فرهنگ و شبه فرهنگ، تهران: نشر آگاه.
۳. امین زاده، بهناز و دیگران (۱۳۷۹)، کیفیت تجلی توحید در مراکز شهرهای ایرانی، نشریه هنرهای زیبا، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۴. بورکهاردت، تیتوس (۱۳۷۲)، ارزش های جاویدان هنر اسلامی در مبانی هنر معنوی، گردآورنده علی تاجدینی، تهران: دفتر مطالعات دینی.
۵. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری، تهران: انتشارات شهیدی.
۶. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶)، راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری، تهران: انتشارات شهیدی.
۷. پورجعفر، محمدرضا؛ ارباب زاده گان هاشمی، سید علیرضا؛ پورجعفر، علی (۱۳۹۳)، تجلی خرده فرهنگ های ایرانی اسلامی در طراحی فضاهای شهری، تهران: انتشارات آرمانشهر.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۹)، دیدگاه علامه در باب ولایت الهی. مجله میراث جاویدان، ش دوم، سال دوم، تهران.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲) تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج ۱۵، چ اول، قم: انتشارات اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، تفسیر موضوعی قرآن کریم (توحید در قرآن)، ج ۲، قم: انتشارات اسراء.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، حیات حقیقی انسان در قرآن، تفسیر موضوعی قرآن، ج: ۱۵، چ ۲، قم: انتشارات اسراء.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، تسنیم، ج ۱۱، چ ۲، قم: انتشارات اسراء.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، تسنیم، ج ۹، چ ۳، قم: انتشارات اسراء.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تسنیم، ج ۵، چ ۵، قم: انتشارات اسراء.



۱۵. حاجی صادقی، عبدالله؛ ابوالقاسم، بخشیان (۱۳۹۳)، مفهوم شناسی و حقیقت یابی حیات طیبه از منظر قرآن، فصلنامه علمی پژوهشی انسان پژوهش دینی، دوره ۱۱، شماره ۳۱، تابستان و پاییز، صفحه ۱۶۵-۱۸۵، تهران.
۱۶. دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ دوم، قم: انتشارات پارسیان.
۱۷. رجب نژاد، محمد رضا؛ حاجی، یحیی؛ طالب، امیرمهدی؛ رجب نژاد، سعید (۲۰۱۲)، بررسی سبک زندگی اسلامی از منظر «حیات طیبه» در قرآن، Islamic Lifestyle Centered on Health. July.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۴۶)، تفسیر المیزان، جلد ششم، چاپ دوم، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷)، روابط اجتماعی در اسلام، ترجمه: جواد حجتی کرمانی، به کوشش سید هادی خسروشاهی، تهران: انتشارات بوستان کتاب.
۲۰. قرآن کریم (۱۳۷۴)، ترجمه و توضیح بهاءالدین خرمشاهی، تهران: انتشارات نیلوفر و جامی.
۲۱. لینچ، کوین (۱۳۷۶)، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. نقوی، محمد ناصر (۱۳۷۲)، مجله کلمه دانشجو، تهران: دانشگاه صنعتی امیرکبیر.